

استادبانک



نمونه سوالات همراه با جواب و

گام به گام کتاب‌های درسی

به طور کامل رایگان در

اپلیکیشن استادبانک

به جمع ده‌ها هزار کاربر اپلیکیشن رایگان استادبانک پیوندید.

[لینک دریافت اپلیکیشن نمونه سوالات استادبانک \(کلیک کنید\)](#)

* برای مشاهده نمونه سوالات دانلود شده به صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- کشف علل امور طبیعی از طریق صورت می‌گیرد.

« پاسخ »

کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد.

۲- اعتقاد به پیوستگی و وجود روابط میان موجودات، نتیجه‌ی باور به اصل است.

« پاسخ »

اعتقاد به پیوستگی و وجود روابط میان موجودات، نتیجه‌ی باور به اصل علیت است.

۳- باور به منظم بودن جهان هستی از پیامدهای اعتقاد به اصل است.

« پاسخ »

باور به منظم بودن جهان هستی از پیامدهای اعتقاد به اصل سنخیت علت و معلول است.

۴- اصل علیت از نظر فیلسوفان مسلمان بر اصل استوار است.

« پاسخ »

اصل علیت از نظر فیلسوفان مسلمان بر اصل امتناع جمع دو نقیض یا امتناع ترجیح بلامرجح استوار است.

۵- نتایج ضمنی اصل سنخیت و علیت را نام ببرید. (هفت مورد)

« پاسخ »

۱- نبود اتفاق در عالم ۲- وجود نظم و پیوستگی ۳- امکان پیش‌بینی رخدادها ۴- امکان پیش‌گیری از برخی حادثه‌ها ۵- امکان پژوهش و تحقیق ۶- تنظیم امور زندگی ۷- به وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش

۶- شعر زیر کدام اصل را تأیید می‌کند؟ شرح دهید.

«چو بد کردی مشو غافل ز آفات / که واجب شد طبیعت را مکافات»

« پاسخ »

۷- دیدگاه‌های زیر، نظر کدام‌یک از فلاسفه است؟

- علّیت حاصل توالی پدیده‌هاست.
- علّیت جزء ساختار ذهن انسان‌هاست.
- چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد.
- چون انسان از جهت وجودی فقیر است، نیاز به علت دارد.
- چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به علت دارد.
- اصل علّیت یک اصل تجربی است.
- اصل علّیت یک اصل کاملاً عقلی است.

« پاسخ »

۸- مواردی که در زیر می‌آید، از نظر فیلسوفان، از نتایج اصل «علّیت» و «سنخیت علت و معلول» است. آنان می‌گویند، چون هر انسانی این دو اصل را پذیرفته است، این موارد را هم به طور ضمنی قبول دارد. نظر شما در این باره چیست؟ نظر خود را روبه‌روی هر مورد بنویسید.

نتایج اصل علّیت	نقد و نظر
نبود اتفاق در عالم ^۱	
وجود نظم و پیوستگی	
امکان پیش‌بینی رخدادها	
امکان پیشگیری از برخی حادثه‌ها	
امکان پژوهش و تحقیق	
تنظیم امور زندگی	
به‌وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش	

« پاسخ »

۹- کسانی که این اصل را یک اصل تجربی می‌دانند، می‌گویند: «بنابر آنچه تاکنون تجربه کرده‌ایم، علت‌های خاص، معلول‌های خاص خود را دارند و نمی‌توانیم این اصل را به علت‌هایی که تجربه نکرده‌ایم، تعمیم دهیم.» نظر شما چیست؟

« پاسخ »

۱۰- آیا می‌توانید در میان رفتارهای آدمیان موردی را مثال بزنید که نشان دهد اصل سنخیت علت و معلول مورد پذیرش آن‌ها نیست؟

« پاسخ »

۱۱- سه دیدگاه ذکر شده درباره ی اصل علیت را با هم مقایسه کنید و نظر خود را توضیح دهید.

« پاسخ »

۱۲- قبل از این که نظر فیلسوفان را بیان کنیم، خودتان در این باره بیندیشید و بگویید کودک چگونه این رابطه را درک می کند؟

« پاسخ »

۱۳- میان موجودات مختلف رابطه های گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها رابطه ی علیت است. در جدول زیر، اشیائی در مقابل یک دیگر قرار گرفته اند. آیا می توانید رابطه یا رابطه هایی میان آنها پیدا کنید؟ نام آن رابطه ها را بنویسید.

اشیاء	نوع رابطه
بدنه پل و ستون های زیر آن	رابطه اتکا (تکیه بدنه به ستون ها)
زمین و اشیای روی آن	
استاد و شاگرد	
کارفرما و کارگر	
اجزای یک ساعت	
تفاوت اساسی این قبیل رابطه ها با رابطه علیت چیست؟	
.....	
.....	

« پاسخ »

۱۴- آیا ساختمان ذهن کودک به گونه ای است که او «چرا» می گوید یا ساختار جهان چنان است که او را به «چرا» گفتن می کشاند؟ آیا پرسش های کودک صرفاً تقلیدی از بزرگ ترهاست یا واقعاً متوجه چیزی می شود که انگیزه سؤال کردن را در او زنده می کند؟

« پاسخ »

۱۵- یکی از انتقادهایی را که به نظریه مخالفان اصل علیت وارد است، بیان کنید.

« پاسخ »

۱- اگر ریشه اعتقاد به علیت، تعاقب دو حادثه باشد، باید میان همه حوادثی که در پی یک دیگر تکرار می شوند، رابطه علیت برقرار باشد. ۲- اگر تکرار حوادث متوالی ما را به علیت منتقل می کند، پس باید بین تکرار و علیت، رابطه ی علیت برقرار باشد. (ذکر یک مورد کافی است.) (۱ نمره) (ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

۱۶- جای خالی را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید:
علت شرط لازم و کافی برای به وجود آمدن معلول است.

« پاسخ »

نامه (ص ۴۱) (۰/۲۵)

۱۷- اگر به وجود اتفاق در عالم قائل باشیم و اگر بگوییم نمی‌توان هیچ رخ دادی در عالم را پیش‌بینی کرد، به ترتیب، کدام اصل فلسفی را نفی کرده‌ایم؟

(۱) علّیت - سنخیت (۲) علّیت - علّیت (۳) سنخیت - سنخیت (۴) سنخیت - علّیت

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اتفاق یعنی این‌که حادثه‌ای بدون علّت رخ داده باشد. پس اعتقاد به اتفاق، موجب نفی اصل علّیت می‌شود. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) پیش‌بینی پدیده‌ها به کمک اصل سنخیت صورت می‌گیرد؛ زیرا اصل سنخیت می‌گوید هر علّتی، معلول خاصی دارد. پس وقتی علّت را می‌بینیم، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که معلول نیز پدید آمده است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۸- اعتقاد به «اتفاق در عالم» و «وجود هرج و مرج در جهان هستی» به ترتیب، نافی کدام اصول فلسفی است؟

(۱) علّیت - علّیت (۲) سنخیت - سنخیت (۳) علّیت - سنخیت (۴) سنخیت - علّیت

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اتفاق به معنای رخداد خودبه‌خودی و بدون علّت است؛ پس اصل علّیت را انکار می‌کند. هرج و مرج هستی نیز با اصل سنخیت منافات دارد؛ چون این اصل می‌گوید هر چیزی دارای خاصیت و آثار مخصوص به خودش است و این یعنی نظم و قانون در جهان هستی.

۱۹- عبارت «چون انسان از جهت ذاتی ممکن است و نیاز به علّتی وجوددهنده دارد.» با دیدگاه کدام فیلسوف مسلمان در تعارض است؟

(۱) ابن‌سینا (۲) بهمنیار (۳) میرداماد (۴) ملاصدرا

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ملاصدرا برای تقسیم موجودات جهان به خود واقعیت آن‌ها رجوع می‌کرد نه ذات و ماهیت. به همین دلیل به جای صحبت از ممکن و واجب، از غنی و فقیر یا وابسته و غیروابسته بودن حرف می‌زد. درست برخلاف ابن‌سینا و پیروانش که از واجب و ممکن بودن ذاتی موجودات حرف می‌زدند.

۲۰- از اعتقاد به اصل وجوب علی و معلولی، می توان نتیجه گرفت که:

- (۱) هر حادثه‌ای در طبیعت، به علت نیاز دارد.
- (۲) جهان هستی دستگاهی منظم است.
- (۳) ممکن نبود که جهان هستی پدید نیاید.
- (۴) هر معلولی، علت خاص خود را دارد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وجوب علی و معلولی نشان می‌دهد که موجوداتی که در جهان هستی پدید آمده‌اند، ابتدا توسط واجب‌الوجود بالذات، وجوب و ضرورت پیدا کرده‌اند و ضرورت به ما نشان می‌دهد که امکان نداشت این موجودات از وجود یافتن تخلف کنند و پدید نیایند.

۲۱- عبارت «چون انسان از جهت وجودی فقیر است، به علت نیاز دارد» با دیدگاه کدام فیلسوف تناسب بیش‌تری دارد؟

- (۱) ابن‌سینا
- (۲) خواجه نصیر
- (۳) بهمنیار
- (۴) ملاصدرا

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ملاصدرا، برخلاف ابن‌سینا و پیروانش (خواجه‌نصیر و بهمنیار) که به ماهیت و ذات شیء رجوع می‌کردند و از امکان ذاتی می‌گفتند، موجودات جهان را به «فقیر و وابسته» و «بی‌نیاز و غیروابسته» تقسیم می‌کند. بر این اساس، ملاصدرا معتقد است که چون انسان از جهت وجودی فقیر است، به علت نیاز دارد.

۲۲- با توجه به دو بیت زیر، کدام مفهوم فلسفی، زمینه‌ی پذیرش می‌یابد؟

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست / که هر چیزی به جای خویش نیکوست
اگر یک ذره را برگیری از جای / خلل یابد همه عالم سرپای

- (۱) اصل سنخیت علت و معلول، به این معنی که از علت‌های خاص، معلول‌های خاص نتیجه می‌شود.
- (۲) اصل تقدم وجوب بر وجود؛ به این معنا که هر ممکن‌الوجودی برای پیدایش، باید ابتدا وجوب بیابد.
- (۳) اصل تقدم وجوب بر وجود، به این معنی که وجود تا به مرحله‌ی ضرورت نرسد، وجود پیدا نمی‌کند.
- (۴) اصل علیت و معلولیت، به این معنی که هر ممکنی به علتی نیاز دارد که وجوب‌دهنده آن باشد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم این دو بیت این است که در جهان هستی، هر چیزی در جای خودش قرار دارد و در غیر این صورت، هرج و مرج در عالم حکم‌فرما می‌شد. این دیدگاه بیانگر اصل سنخیت علت و معلول است که میان روابط علی و معلولی، یک نظم می‌بینید و معتقد است جهان بی‌نظم و قاعده نیست، بلکه هر چیزی دارای آثار و ویژگی‌های مخصوص به خودش است.

۲۳- نظام حاکم بر روابط موجودات عالم و نفس ارتباط و پیوستگی را به ترتیب کدام اصول معین می‌کنند؟

- (۱) ضرورت علی و معلولی - علیت
- (۲) علیت - سنخیت علت و معلول
- (۳) سنخیت علت و معلول - علیت
- (۴) سنخیت علت و معلول - ضرورت

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی از نظم، نظام و انتظام صحبت می‌کنیم. منظور قاعده‌ی سنخیت است و وقتی فقط به ارتباط میان پدیده‌ها اشاره می‌کنیم، منظور روابط علی و معلولی خواهد بود.

۲۴- اصل سنخیت علت و معلول حاکی از چیست؟

- (۱) نفس ارتباط و پیوستگی موجودات عالم
- (۲) تخلف‌ناپذیری و حتمیت نظام هستی
- (۳) عدم تغییر و دگرگونی در قوانین عامل هستی
- (۴) شناخت واقعیتی مستقل از ذهن آدمی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی می‌گوییم سنخیت علت و معلول؛ یعنی همواره از یک علت خاص یک معلول خاص پدید می‌آید و قانون میان پدیده‌ها ثابت و تغییرناپذیر است. در غیر این صورت، از هر چیزی، هر چیزی پدید می‌آید و آن‌گاه یا اصلاً قاعده و قانونی در عالم نبود یا این قواعد در هر لحظه امکان تغییر و دگرگونی داشتند.

۲۵- نظام حاکم بر روابط بین علت‌ها و این‌که جهان هستی دستگاه منظمی است که هر جزء آن جایگاه به خصوص دارد، بیان‌گر کدام اصل است؟

- (۱) مغایرت وجود و ماهیت
- (۲) تقدم و جوب بر وجود
- (۳) سنخیت علت و معلول
- (۴) ضرورت علت و معلول

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اصل سنخیت نشان می‌دهد که میان علت‌ها و معلول‌هایشان در جهان هستی رابطه‌ی خاصی حکم‌فرماست و جهان هستی یک دستگاه منظم است.

۲۶- اگر کفه‌ی ترازوی وجود و عدم، برای یک مفهوم، به نفع وجود سنگین شود، معلوم می‌شود که اولاً آن مفهوم است و ثانیاً

- (۱) دارای امکان ذاتی - علت به او وجوب داده است.
- (۲) از بیش موجود بوده - نیازمند وجوب علی خواهد بود.
- (۳) ممکن‌الوجود بالذات - ترجیح بلامرجح رخ داده.
- (۴) ماهیتی امکانی - وجود را برای خودش واجب کرده.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. وقتی کفه‌ی ترازوی وجود و عدم برای مفهومی سنگین می‌شود؛ یعنی آن مفهوم در ابتدا در حالت تساوی نسبت به وجود و عدم قرار داشته است؛ پس آن مفهوم ممکن‌الوجود بالذات و دارای امکان ذاتی است که ویژگی ماهیت‌هاست (درستی بخش اول گزینه‌های ۱، ۳ و ۴). در چنین حالتی که مفهوم ممکن‌الوجود به وجود می‌آید، علتی بوده که آنرا از حالت تساوی نسبت به وجود و عدم خارج کرده است.

۲۷- سنخیت علت و معلول به این معناست که:

- (۱) میان علت و معلول‌های عالم، مناسبات مشابهی برقرار است.
- (۲) میان هر علت با معلول خودش مناسبت خاصی حاکم است.
- (۳) همه‌ی معلول‌ها به علت واحدی که از سنخ خودشان است ختم می‌شوند.
- (۴) معلول‌های جهان هستی، همگی با هم دارای سنخیت خاصی هستند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سنخیت یعنی میان هر علت با معلول خودش سنخیت و مناسبت خاصی حکم‌فرماست که میان یک علت و معلول دیگر نیست.

- ۲۸- از نظر فیلسوفان مسلمان، اگر علتی به حادثه‌ای وجود نداشته باشد، برابر با این است که
 (۱) میان وجود و عدم ترجیحی صورت نگرفته باشد. (۲) ترجیحی برای ضرورت وجود، حاصل نشده باشد.
 (۳) حادثه بدون مرجح، ترجیح وجودی یافته باشد. (۴) هیچ‌گاه ترجیح بلامرجح صورت نگرفته باشد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هر حادثه‌ای از نظر فیلسوفان نیازمند علت است؛ زیرا حادثه یعنی چیزی که نبود و به وجود آمد. چنین چیزی را ممکن‌الوجود می‌نامیم که برای به وجود آمدن نیازمند ضرورت یافتن وجودش است. حال اگر وجود یک حادثه بدون علت رخ دهد، پس ضرورت بخشی بدون چیزی که ضرورت را ایجاد کرده باشد رخ داده و این یعنی یک حادثه که میان وجود و عدم ترجیحی نداشت، بدون مرجح، ترجیح وجود داشتن پیدا کرده است. چنین چیزی از نظر فیلسوفان ممتنع و محال است.

۲۹- این که فیلسوفان مسلمان، با استفاده از اصل «امتناع ترجیح بلامرجح» امتناع می‌کنند که «هر حادثه‌ای نیازمند علت است». بیانگر چیست؟

- (۱) پذیرش قاعده‌ی سنخیت علت و معلول توسط آن‌ها (۲) عقلانی بودن اصل علت و عدم وابستگی به تجربه
 (۳) وجود روابط علی و معلولی میان قواعد فلسفی (۴) عدم کاربرد اصل علت در حیطه‌ی تجربه و حس

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اصل امتناع ترجیح بلامرجح یک قاعده‌ی عقلی است که خودش از اصل عقلی و بدیهی «امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض» به دست می‌آید؛ حال وقتی فیلسوفان مسلمان، اصل علت را از طریق یک قاعده‌ی فلسفی اثبات می‌کنند؛ یعنی این اصل یک اصل عقلانی است نه تجربی. بررسی سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: این که علت را اثبات کرده باشیم؛ لزوماً به معنای اثبات و قبول اصل سنخیت نیست.
 گزینه ۳: علت و معلول مربوط به حوزه‌ی واقعیت است نه ذهن و عقل. حال وقتی توسط یک قاعده‌ی عقلی، قاعده‌ی عقلی دیگری اثبات می‌شود؛ نشان‌دهنده‌ی وجود روابط منطقی و استدلالی میان قواعد فلسفی است نه روابط علی و معلولی.

گزینه ۴: اصل علت یک قاعده‌ی عقلی است؛ اما در حیطه‌ی تجربه کاربرد فراوانی دارد.

۳۰- کدام گزینه نشان‌دهنده‌ی اجتماع دو نقیض است؟

- (۱) چیزی بتواند چیز دیگری را به وجود آورد.
 (۲) چیزی فاقد توان به وجود آوردن چیز دیگری باشد.
 (۳) چیزی خودش به خودش وجود داده باشد.
 (۴) هیچ چیزی از هیچ چیزی پدید نیامده باشد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی چیزی به خودش وجود داده باشد؛ یعنی آن چیز زمانی که نبوده، بوده و به خودش هم وجود داده. پس در این حالت، ما به اجتماع دو نقیض؛ یعنی صادق بودن دو نقیض قائل شده‌ایم؛ زیرا معتقد شده‌ایم که در یک زمان واحد اولاً «یک موجود خاص نبوده است» و ثانیاً «آن موجود بوده» و به خودش وجود داده است. این دو جمله نقیض هم‌اند و قائل شدن به درستی هر دو، اجتماع نقیضین است. سایر گزینه‌ها هیچ تناقضی با هم ندارند.

۳۱- کانت در مسئله‌ی علیت، بیش‌تر از همه تحت تأثیر کدام فیلسوف بود؟
 (۱) هیوم (۲) دکارت (۳) بیکن (۴) آکوئیناس

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کانت پس از مطالعه‌ی دیدگاه هیوم درباره‌ی علیت، بسیار تحت تأثیر نظرات او قرار گرفته بود.

۳۲- کدام گزینه دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره‌ی اصل علیت را به درستی بیان می‌کند؟

- (۱) علیت چیزی نیست که بتوان آنرا در پدیده‌های تجربی شناسایی کرد.
- (۲) به هیچ وجه نمی‌توان اصل علیت را از طریق شناخت تجربی به دست آورد.
- (۳) علیت قاعده‌ای عقلی است که از طریق توالی پدیده‌ها شناخته می‌شود.
- (۴) اصل علیت قاعده‌ای فطری است که توسط عقل و تجربه شناخته نمی‌شود.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر فیلسوفان مسلمان، شناخت علیت از طریق عقل به دست می‌آید نه تجربه؛ زیرا هر تجربه‌ای مبتنی بر این قاعده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: وقتی فیلسوفان مسلمان می‌گویند شناخت تجربی مبتنی بر قاعده‌ی علیت است؛ یعنی می‌توان علیت را در پدیده‌های تجربی شناسایی کرد و برای مثال گفت: آتش علت گرماست.
- گزینه ۳: درک توالی پدیده‌ها امری تجربی و حسی است نه عقلی. پس این عبارت با خودش در تناقض است.
- گزینه ۴: فیلسوفان مسلمان، علیت را قاعده‌ای عقلی معرفی می‌کنند.

۳۳- کانت اصل علیت را امری می‌دانست؛ زیرا می‌گفت:

- (۱) عینی - ساختار ذهن ما به گونه‌ایست که علیت را نزد خود دارد.
- (۲) ذهنی - از طریق تجربه است که مفهوم علیت را در ذهن می‌سازیم.
- (۳) ذهنی - ساختار ذهن ما به گونه‌ایست که علیت را نزد خود دارد.
- (۴) عینی - از طریق تجربه است که مفهوم علیت را در ذهن می‌سازیم.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کانت اصل علیت را امری ذهنی و سوپرناتو می‌دانست؛ زیرا می‌گفت: ساختار ذهن ما به گونه‌ایست که علیت را نزد خود دارد.

۳۴- از نظر هیوم، علت اصلی این‌که ما میان برخی پدیده‌ها، رابطه‌ی علی و معلولی برقرار می‌کنیم، چه چیزی است؟
 (۱) تکرار پدیده‌ها (۲) توالی پدیده‌ها (۳) قاعده‌ی عقلی (۴) عادت روانی

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر هیوم، انسان به دلیل تکرار توالی میان پدیده‌ها، به یک عادت ذهنی می‌رسد و آن توالی را علیت می‌نامد.

- ۳۵- از نظر عموم تجربه‌گرایان، انسان چگونه به رابطه‌ی علّیت میان خورشید و روشنایی پی می‌برد؟
- (۱) درکی که از علّیت دارد را به توالی میان ظهور خورشید و روشنایی روز تعمیم می‌دهد.
 - (۲) انسان از اساس قادر نیست چیزی به نام علّیت را در میان پدیده‌های متوالی ادراک کند.
 - (۳) توالی میان پدیده‌های مختلف و تکرار آن‌ها موجب می‌شود که از روی عادت، به علّیت برسیم.
 - (۴) پس از مشاهده‌ی توالی میان پدیده‌ها و تکرار این امر، به شناخت رابطه‌ی علّیت می‌رسیم.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر تجربه‌گرایان، ما از ابتدا چیزی به نام علّیت در ذهن نداریم، بلکه تجربه و ادراک حسی باعث می‌شود درکی از توالی پدیده‌ها به دست آوریم و سپس قاعده‌ی علّیت را درک کنیم.

۳۶- تفاوت اصلی رابطه‌ی علّی با سایر روابط در چیست؟

- (۱) رابطه‌ای پیش از وجود دو طرف رابطه است.
- (۲) بین معلول و علّت، بعد از وجود دو طرف پدید می‌آید.
- (۳) چیزی جز نیازمندی معلول به علّت (و بالعکس) نیست.
- (۴) رابطه‌ای درست در خود وجود علّت و معلول است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. علّیت رابطه‌ای است که در خود وجود دو طرف رابطه برقرار است نه پیش یا پس از وجود آن دو. در ضمن، در این رابطه، معلول است که در وجودش به علّت نیازمند است نه بالعکس.

۳۷- اگر برای درک رابطه‌ی علّیت به حس و تجربه رجوع کنیم، چه چیزی را درک خواهیم کرد؟

- (۱) تأثیر علّت بر معلول
- (۲) توالی پدیده‌ها
- (۳) وجودبخشی علّت به معلول
- (۴) تداعی ذهنی

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اگر بخواهیم تنها به ادراک حسی و شناخت تجربی متکی باشیم، هیچ‌گاه نه علّتی خواهیم دید و نه معلولی مشاهده می‌کنیم، بلکه تنها توالی و پشت هم آمدن دو پدیده را مشاهده خواهیم کرد.

۳۸- از نظر ، شناخت قاعده‌ی علّیت تجربه است.

- (۱) صدرااییان - مؤخر از
- (۲) پیروان ابن‌سینا - مؤخر از
- (۳) تجربه‌گرایان - مقدم بر
- (۴) تجربه‌گرایان - مؤخر از

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر صدرااییان، پیروان ابن‌سینا و عقل‌گرایان، شناخت قاعده‌ی علّیت مقدم بر تجربه است؛ اما تجربه‌گرایان، اصل علّیت را مؤخر از تجربه و حس می‌دانند.

۳۹- کدام گزینه تعریف مناسبی از «علت» ارائه می‌کند؟

- (۱) چیزی که وجود معلول از آن جدا نمی‌شود.
- (۲) چیزی که معلول در هستی خود به آن نیازمند است.
- (۳) چیزی که در هستی معلول ساری و جاری است.
- (۴) چیزی که در هستی خود به چیز دیگری نیازمند است.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. علت چیزی است که معلول برای وجود داشتن بدان نیازمند است و اگر نباشد، معلولی هم در کار نخواهد بود. به اصطلاح فیلسوفان، علت چیزی است که هستی معلول بر وجود آن متوقف است.

۴۰- کدام گزینه درباره‌ی رابطه‌ی علّیت درست است؟

- (۱) تا معلولی نباشد، علّتی نیز در کار نخواهد بود.
- (۲) تا رابطه‌ای علّی در کار نباشد، معلولی پدید نمی‌آید.
- (۳) گرچه معلول هست، شاید علت از بین رفته باشد.
- (۴) اگر معلولی وجود دارد، قطعاً علّتی نیز در کار است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در رابطه‌ی علّی و معلولی، تا علّتی نباشد، معلولی در کار نیست نه برعکس (رد گزینه‌ی ۱) و اگر معلولی باشد، قطعاً علت آن نیز وجود دارد. (رد گزینه‌ی ۳) از طرف دیگر، رابطه‌ی علّیت هم‌زمان با وجود علت و معلول شکل می‌گیرد نه قبل از آن (رد گزینه‌ی ۲)

۴۱- پرسش از امور، بازتاب‌دهنده‌ی قاعده‌ی علّیت است که

- (۱) چیستی - حتی در ذهن کودکان نیز ایجاد می‌شود.
- (۲) چرایی - مغایرت وجود و ماهیت را مشخص می‌کند.
- (۳) چرایی - در تبیین ذهنی نیازمند استدلال است.
- (۴) چیستی - کهن‌ترین مسئله‌ی فلسفی تاریخ اندیشه است.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. پرسش از چرایی بازتاب‌دهنده‌ی علّیت است؛ زیرا وقتی از چرایی می‌پرسیم، منظور «به چه علت» است. این مسئله حتی در ذهن کودکان نیز مطرح می‌شود و اگر بخواهیم آنرا پاسخ دهیم، در فرایند ذهنی نیازمند استدلال خواهیم بود.

۴۲- کدام گزینه دیدگاه تجربه‌گرایان درباره‌ی اصل علّیت را نشان می‌دهد؟

- (۱) علّیت جزء ساختار ذهن است.
- (۲) علّیت حاصل توالی پدیده‌هاست.
- (۳) اصل علّیت اصلی عقلانی است.
- (۴) علّیت امری سوپرناتو است.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. از نظر تجربه‌گرایان، علّیت حاصل توالی پدیده‌هاست؛ یعنی با استفاده از ادراک حسی و شناخت تجربی است که به اصل علّیت می‌رسیم.

۴۳- اصل برای نظم دقیق جهان فراهم می‌کند.

- (۱) علیت - پشتوانه‌ی عقلی
(۲) سنخیت - ضرورت وجودی
(۳) علیت - ضرورت وجودی
(۴) سنخیت - پشتوانه‌ی عقلی

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اصل سنخیت علت و معلول برای نظم دقیق جهان پشتوانه‌ی عقلی فراهم می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد هر چیزی برای پدید آمدن نیازمند یک علت خاص است و از هر علتی، هر معلولی پدید نخواهد آمد. این امر نظر جهان هستی را می‌رساند.

۴۴- منظور از اجتماع و ارتفاع دو نقیض چیست؟

- (۱) صدق و کذب هم‌زمان دو قضیه
(۲) تناقض میان دو قضیه‌ی صادق و کاذب
(۳) باور به درستی دو قضیه‌ی نقیض
(۴) صدق هم‌زمان و کذب هم‌زمان دو نقیض

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. وقتی می‌گوییم اجتماع دو قضیه، منظور صدق هم‌زمان آن‌ها و وقتی می‌گوییم ارتفاع دو قضیه، منظور کذب هم‌زمان آن‌هاست. حال اجتماع و ارتفاع دو نقیض؛ یعنی بپذیریم دو قضیه‌ی نقیض، هم‌زمان می‌تواند صادق یا کاذب باشند. معلوم است که چنین چیزی از نظر منطقی محال و ممتنع است. تذکر: گزینه‌ی ۱ می‌گوید صدق و کذب دو «قضیه» ولی باید می‌گفت دو «قضیه‌ی نقیض هم»

۴۵- از نظر فیلسوفان مسلمان، اصل «امتناع ترجیح بلامرجح» از اصل به دست می‌آید.

- (۱) امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض
(۲) سنخیت علت و معلول
(۳) مغایرت وجود و ماهیت
(۴) علت و معلول

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فیلسوفان مسلمان با استفاده از استدلال عقلی، توانسته‌اند اصل امتناع ترجیح بلامرجح را از اصل امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض، به دست آورند.

۴۶- جمله‌ی «علل معین را معلول‌های معینی است.» بیان‌گر چه اصلی است؟

- (۱) امتناع ترجیح بلامرجح
(۲) قاعده‌ی علیت
(۳) سنخیت علت و معلول
(۴) وجوب علی و معلولی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اصل سنخیت علت و معلول به ما می‌گوید معلول‌های معین از علت‌های معین پدید می‌آیند و این گونه نیست که از هر علتی، هر معلولی پدید آید.

۴۷- رابطه‌ی علّیت در وجود برقرار می‌شود و تمام هستی با همین رابطه محقق می‌شود.
 (۱) علّت - معلول (۲) طرفین - معلول (۳) معلول - طرفین (۴) معلول - علّت

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نوعی رابطه وجود دارد که نه بعد از وجود دو طرفه رابطه، بلکه درست در خود وجود آن دو برقرار می‌شود که علّیت نام دارد. رابطه‌ای که در آن طرف اول (علّت) به طرف دوم (معلول) وجود می‌دهد.

۴۸- از نظر کانت، درک اشیا به صورت علّت و معلول است.
 (۱) عادت ذهنی (۲) امری عینی (۳) امری ذهنی (۴) تداعی ذهنی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کانت معتقد بود که ساختار ذهنی ما به گونه ایست که پدیده‌ها را به صورت علّت و معلول درک می‌کند؛ یعنی علّیت امری ذهنی و سوژکتیو است.

۴۹- دیوید هیوم درباره‌ی علّیت می‌گوید: آنچه ما از طریق حس و تجربه ادراک می‌کنیم است.
 (۱) عادت روانی (۲) توالی پدیده‌ها (۳) رابطه‌ی علّیت (۴) تداعی ذهنی

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هیوم معتقد است ما از طریق حس و تجربه تنها توالی میان پدیده‌ها را درک می‌کنیم نه رابطه‌ی علّیت را.

۵۰- رابطه‌ی بین علّت و معلول از هر رابطه‌ای عمیق‌تر است؛ زیرا:
 (۱) رابطه‌ی قبل از وجود است.
 (۲) رابطه‌ی بعد از وجود است.
 (۳) رابطه‌ای در خود وجود است.
 (۴) قائم به هر دو طرف است.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. رابطه‌ی علّت و معلول در وجود دو طرفه نهفته است و هم‌زمان با وجود آن دو پدید می‌آید. به همین دلیل، از سایر روابط بسیار عمیق‌تر است.